

راهبرد ایالات متحده آمریکا برای تغییر رژیم و تغییر رفتار کشورها

حامد دانائی یوسف آباد^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰

محمدیوسفی جویباری^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۱

پرویزاحدی^۳علیرضا اسمعیل زاد^۴

چکیده:

ادبیات موجود در این مقاله تا حد زیادی رویکرد تغییر رژیم و تغییر رفتار را از دیدگاه طراحان سیاست خارجی ایالات متحده منعکس نموده و بیشتر نشان دهنده تجربه دولت غالب ها در نظام بین الملل نسبت به تغییر تحمیل شده است. روند پژوهشی مورد نظر با ابهام زدایی و شفاف سازی مفهوم تغییر رژیم و تغییر رفتار آغاز شده در ادامه بر مبنای رویکرد تاریخی توصیفی به جایگاه و استراتژی ایالات متحده آمریکا در اتخاذ این سیاست می پردازد. بر این مبنای فرضیه اصلی مورد نظر عبارت است " کاربست و نهادینه سازی تغییر(رفتار رژیم و ماهیت رژیم) در یک کشور ناشی از بهره گیری ایالات متحده از اشکال قدرت (نرم، سخت، هوشمند و...) بوده و سیاست تغییر نقطه تلاقی رویکرد های دکترین امنیت ملی آمریکا می باشد. پروسه تغییر و گذار از آن روندی مرحله ای و زمان بر با استراتژی های بلند مدت و کوتاه مدت برای ایالات متحده آمریکا می باشد. که نتایج بدست آمده در واقع، از بسیاری جهات تغییر رژیم و نه تغییر رفتار ارجحیت داشته و وعده تخفیف و کاهش اقدامات خصمانه در صورت تغییر رفتار کشورها بعضاً به عنوان فریب برای تحریک کشورها برای در تغییر رژیم مورد استفاده قرار می گیرد.

کلید واژه ها: راهبرد، تغییر رژیم، تغییر رفتار، دموکراسی، آمریکا،

^۱ دانشجوی دکتری، گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۲ استاد یار، گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسوول)

dr.mohamadyoosefi@gmail.com

^۳ استاد یار، گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

^۴ استاد یار، گروه روابط بین الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تغییر بخش عمده زندگی ما است خواه تغییر در صنعت، فناوری ها و یا بخش های مختلفی از جمله حمل و نقل، آموزش یا سیاست های اجتماعی و... اما ما هنوز اطلاعات کمی در مورد زمان و چگونگی تغییر را می دانیم در زمینه اهمیت این پژوهش می توان به ذکر این مثال پرداخت که در دادگاه بین المللی جنایی برای یوگسلاوی، که رئیس جمهور اسلوبودان میلوسویچ را متهم کرد، این ارجاع جنایی بین المللی منجر به برکناری از دولت و تغییر رژیم گردید، که ادعا گردید " تغییر رژیم پیش شرط لازم برای دیوان کیفری بین المللی^۱ برای دستیابی به هدف خود و محاکمه رهبران مانند «نخست وزیر لیبی» معمر قذافی و «رئیس جمهور سودان» عمر البشیر است. (Kersten, ۲۰۱۳) لذا در جهانی هستیم که تغییر لازمه آن بوده و در منطقه ای تعایش می نمایم که کانون منازعات بین المللی مرجع ثروت جهانی و طمع ورزی کشورها بوده است. و عنصر تغییر برای هژمون برتر راهبردی راه گشا و چالش برانگیز بوده است.

پایان جنگ سرد با تحولات پیچیده ای در صحنه نظام بین الملل به منصف ظهور رسید. تقابل سرد ایجاد شده شکل گیری نهاد های نوین بین المللی توجه به اشکال قدرت به عنوان ابزار دردست و تعریف امنیت در نبود تهدیدات و تغییر ابعاد معمای امنیت جدید حوزه های مختلف سیاست بین الملل را دچار قبض و بسط و در نتیجه تحول معرفتی کرد در واقع ناکامی اندیشمندان رئالیست در پیش بینی دگرگونی ساختار بین الملل لزوم بازنگری در نوع رویکرد ها را دچار تحول نمود. هیچ کدام از تئوری ها توجیه کافی برای پیدایش تغییر در بین ملت ها و دولت ها را ندارند با این وجود هدف ما در پی اجرای اصول توضیح علمی، تحدید و حفظ قسمت هایی از تئوریا که ارزش توجیهی منسجمی دارند است.

ایالات متحده امریکا به عنوان تنها قدرت بزرگ برجای مانده از دوران جنگ جهانی دوم پس از جنگ سرد همواره تلاش داشته است هژمونی خود را در جهان تثبیت نموده و دیگران را وادار به پذیرش نظم مورد نظر خود سازد از این روی رشد و توسعه اقتصادی و کنترل انرژی جهان بویژه در مناطق غنی از این جهت از ملزومات تثبیت و بقای هژمونی این کشور در جهان محسوب می شود.

در مطالعات انجام شده پیشین بر پدیده تغییر به عنوان اساسی ترین غایت دکترین سیاست خارجی امریکا تاکید شده است به این معنا که مثلا در کتاب براندازی: روایت یک قرن عملیات تغییر رژیم توسط آمریکا از هاوایی تا عراق استفن کینزر پیرامون هیچ یک از راههایی که آمریکاییان از طریق آن ها دنیای مدرن را شکل داده اند سخن نمی گوید بلکه تنها افراطی ترین موارد، یعنی مواردی را که در آن ها ایالات متحده به طور مستقیم عملیات براندازی رهبران خارجی را سازمان داده و به انجام رسانده است، بررسی می کند.

یا در کتاب موج سوم دموکراسی هانتینگتون درباره دموکراتیک شدن کشورها که موضوع تحقیق اوست، نخست با دقت و کنجکاوی و حوصله وقایعی را که در کشورهای مختلف اتفاق افتاده گردآوری کرده آنها را مورد سنجش و بررسی قرار داده و سعی کرده است از آنها اصول و نظریات کلی به دست آورد یا در کتاب سیاست خارجی آمریکا تاثیر مکاتب فکری بر

^۱ International Criminal Court

مداخلات نظامی نویسنده اعلام می دارد پس از جنگ سرد و وقوع دو حادثه فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ و حادثه ۱۱ سپتامبر با وجود اینکه هر دو حادثه نقطه عطفی در سیاست خارجی آمریکا به شمار می رود، شاهد شکل گیری روند جدیدی در رفتار سیاست خارجی این کشور هستیم. این تغییر روندها، خود مبتنی بر مکاتب تأثیرگذار بر سیاست خارجی است و این نشان دهنده آن است که سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا بر اساس یک سری اصول خاص بنا گردیده است. بحث در مورد دموکراتیزاسیون در علوم سیاسی و روابط بین الملل در نیمه دوم قرن بیستم بحث محوری بوده است. این در هر دو کشور دموکراتیک و غیر دموکراتیک طبیعی است. با این وجود، یک مسئله اساسی بنیادی این سؤال را مطرح می کند که چرا و چگونه دولت‌های رژیم‌های سیاسی را تغییر می دهند؟ و راهبرد اساسی و اصولی هژمون برتر نسبت به این سیاست چیست؟

از جنبه های نوآوری در این مقاله توجه به روند پژوهشی مورد نظر همراه با ابهام زدایی و شفاف سازی مفهوم تغییر رژیم و تغییر رفتار آغاز شده در ادامه بر مبنای رویکرد تاریخی توصیفی به جایگاه و استراتژی ایالات متحده آمریکا در اتخاذ این سیاست پرداخت خواهد نمود تحقیقات گذشته در مورد تغییر رژیم صرفاً به موضوعات خاص تغییر رژیم بیشتر از جنبه های عمومی تر پرداخته است، صرف نظر از اینکه آیا این تغییر به سمت دموکراسی است یا از آن فاصله گرفته است.

چارچوب و مفاهیم نظری

میرشایمر معتقد است دولت ها علاوه بر اینکه نسبت به اهداف سایر دولت ها اطمینان خاطر ندارند، می بایست بدبینانه ترین حالت ممکن نسبت به اهداف آنها را نیز در نظر گیرند. در نتیجه دولت ها تنها نسبت به توانمندی سایر دولت ها متمرکز می شوند، از این رو برای کسب قدرت به رقابت می - پردازند و تا حد ممکن در صدد افزایش قدرت خود بر می - آیند میرشایمر تأکید دارد که قدرت های بزرگ بازیگران عقلایی هستند. آنها نسبت به محیط خارجی خود آگاهند و برای بقای خود در این محیط رفتار استراتژیک مناسب را انتخاب می کنند. قدرت های بزرگ به اولویت های دیگر دولت ها و اینکه رفتارشان چه تأثیری بر رفتار دولت های دیگر دارد و رفتار دولت های دیگر چه تأثیری بر استراتژی آنها برای بقا دارد توجه می نمایند. علاوه بر این، دولت ها نه تنها به عواقب کوتاه مدت و فوری بلکه به پیامدهای بلندمدت اعمال خود نیز توجه دارند. قدرت های بزرگ تمایل دارند در مواجهه با یکدیگر، قانون بازی با حاصل جمع صفر حاکم باشد. حتی اگر یک قدرت بزرگ نسبت به رقبای خود به برتری نظامی دست یابد، همچنان تلاش برای افزایش قدرت خود را ادامه خواهد داد. از این رو تداوم و تعقیب قدرت تنها زمانی متوقف می شود که هژمونی تحقق یابد (کریمی فرد و روحی دهینه، ۱۳۹۳: ۵۵۵). خلاصه اینکه واقع گرایی تهاجمی از تبیین سیاست خارجی به فهم سیاست بین الملل می رسد و رسیدن به امنیت مطلق را مهم ترین خواسته قدرت های بزرگ می داند که تنها از طریق قدرت و دستیابی به هژمون قابل تحصیل است. قدرت های مزبور، بازیگران اصلی نظام بین الملل هستند و در یک محیط آنارشیک به دنبال حفظ بقا و افزایش قدرت خود می باشند و لذا در طرح و برنامه ریزی سیاست خارجی خود، تلاش دارند نسبت به دیگران بازیگران به برتری برسند (متقی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۲).

سوال از چیستی امنیت و قدرت پیش کشیدن مسائلی درباره فلسفه آگاهی بویژه مسائل مرتبط به معرفت‌شناسی است یعنی به اعتقاد خودمان جهان اجتماعی از چه تشکیل شده است و چگونه باید جهان اجتماعی را بررسی کرد اگر این تصورات را بپذیریم که امنیت مفهومی است که ریشه آن محل اختلاف و مناقشه است در این صورت بنا به تعریف نمی‌توان به شکل انتزاعی به اینگونه مباحث خاتمه بخشید در عوض، برخی موضع‌گیری‌ها از طریق اعمال قدرت غلبه پیدا می‌کنند و به اجرا در خواهد آمد. در عین آگاهی به این حقیقت باید خاطر نشان کرد که مطابق رایج‌ترین برداشت، امنیت را با کاهش تهدیدهایی که متوجه ارزش‌های اساسی است به ویژه تهدیدهایی مرتبط می‌دانند که اگر مهار نشوند بقای موضوع خاصی را در آینده نزدیک به خطر می‌اندازند. با توجه به اینکه امنیت و بقا اغلب با هم ارتباط دارند اما مترادف با هم هستند. در حالی که بقا نوعی شرایط وجودی است امنیت متضمن توانایی پیگیری سودهای با ارزش سیاسی و اجتماعی است. بنابراین بهتر از همه آن است که به قول کن بوث (Booth, ۲۰۰۷, p. ۱۳۷) امنیت را بقا بعلاوه چیز دیگری بدانیم و آن چیز دیگر به دور بودن از تهدیدهای مرگ بار و نابود کننده است. بطوری که می‌دانیم در سیر تاریخ طولانی بشر کانون اصلی امنیت مردم یا انسان‌ها بوده اند (Rothschild, ۱۹۹۵) ولی همانگونه که گفته شد در رشته‌های دانشگاهی روابط بین الملل امنیت با دولت عجین شده است حتی به شکلی بارزتر، امنیت با برداشت خاصی از منافع ملی عجین بود که در قانون ۱۹۴۷ امنیت ملی ایالات متحده آمریکا بیان شده بود. این وضع به ترویج این اندیشه نسبتاً گمراه‌کننده کمک کرد که در سیاست بین الملل امنیت مترادف با بررسی امنیت ملی است. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که دو نوع رویکرد سلبی و ایجابی در مطالعات امنیت وجود دارد. امنیت ملی در گفتمان سلبی با توجه به حوزه سرزمینی، که به خطرات و تهدیدات دشمنان معطوف شده است و گفتمان ایجابی که ضمن حفظ منافع ملی به دنبال کسب فرصت در قالب نرم می‌باشد. (نوبدینیا، ۱۳۸۸، ص. ۸۷) که در این گفتار آمریکا پس از حوادث ۱۱ سپتامبر نیاز به بازتعریف امنیت ملی و ارتقاء ابزارهای غیرنظامی قدرت ملی را پذیرفت، اما در ایجاد تغییر اساسی در رویکرد جدید کوتاهی کرد. و ساختارها و منابع اصلی اختصاص یافته به اصطلاح امنیت "سخت" همچنان در مرکز قرار داشت.

لذا با نگاه به این رویکرد‌ها پرسش محوری مقاله حاضر بر شناسایی و بررسی شالوده و عناصر تشکیل‌دهنده سیاست تغییر از بیرون و درون در کنار تغییر رفتار معنا و هویت یافته است بر این مبنا فرضیه اصلی مورد نظر عبارت است "کاربست و نهادینه‌سازی تغییر (رفتر رژیم و ماهیت رژیم) در یک کشور ناشی از بهره‌گیری ایالات متحده از اشکال قدرت (نرم، سخت، هوشمند...) بوده و سیاست تغییر نقطه تلاقی رویکرد‌های دکترین امنیت ملی آمریکا می‌باشد. پروسه تغییر و گذار از آن روندی مرحله‌ای و زمان‌بر با استراتژی‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت برای ایالات متحده آمریکا می‌باشد." از این حیث برای دستیابی به تعارف و مفاهیم در چارچوب این نظریه می‌توان گفت تغییر رژیم اصطلاح است که توسط روسای جمهور اخیر ایالات متحده رواج یافته است. بیل کلینتون و جورج دبلیو بوش به‌طور مرتب از این اصطلاح در مورد رژیم صدام حسین در عراق استفاده می‌کردند. و رونالد ریگان پیش از این خواستار تغییر رژیم در لیبی شده بود.

غالباً برای مفهوم تغییر رفتار مفهوم جدا از تغییر رژیم در نظر گرفته نشده است و معیاری برای تفکیک سیاست های تغییر رژیم و تغییر رفتار مشخص نگردیده است ولی در بررسی های انجام شده سیاست تغییر رفتار یک کشور بصورت تعدیل شده سیاست های تغییر رژیم و یا مراحلی از آن بحساب می آید به این معنا که با اعمال فشارهای از قبیل تحریم ها ی اقتصادی و... سعی در تغییر موردی یک نوع رویکر که از نظر جامعه جهانی امریکا و متحدینش درست به نظر نمی آید است. برای مثال در زمینه جمهوری اسلامی ایران دولت ترامپ بارها گفته است که سیاست امریکا تغییر رفتار ایران است نه تغییر رژیم (Pompeo, ۲۰۱۸)

تغییر رژیم و تغییر رفتار

اولین قدم به منظور درک تغییر رژیم ناشی از نگاه به روندهای تاریخی چه به سوی دموکراسی و چه به دور از دموکراسی است. در سطح بسیار گسترده ای، جهان سه "موج" دموکراتیک سازی را تجربه کرده است که دو مورد "موجهای معکوس" تغییر رژیم به وجود آمده اند که در آن بسیاری از دموکراسی ها به دیکتاتوری فروپاشیدند. (Huntington, ۱۹۹۱)

کشورهای قدرتمند برای به دست آوردن مزیت سیاسی از تغییر رژیم استفاده می کنند لتواک دانشمند علوم سیاسی و صاحب آثار در زمینه استراتژی عالی^۱، استدلال می نماید که این سیاست رویکرد امپراتوری روم بوده، که امپراتوری را از طریق ایجاد دولت های اقماری، دست نشانده تحت الحمایه گسترش می داد. رهبرانی که با سایر کشورها درگیر می شدند - غالباً با زور برای حفظ امپراطوری و بدون مسئولیت مستقیم روم جایگزین دولت جدید می شدند. (Luttwak, ۲۰۱۶) در کنار همه مواردی که نسبت به رویکرد سخت افزاری اعلام گردید به قول استراتژیست نظامی باستان چینی "سان تسو" برتری عالی شامل شکستن مقاومت دشمن بدون جنگ است (Watson, & Tzu's ۲۰۱۹)

سیاست خارجی کشورها در پاسخ به پدیده های پیرامون بین المللی سیاست های اعلامی و اقدامی را در پس و پیش خود دارند. کشورها برای حمله به کشور دیگری، و هم برای جلب حمایت داخلی از جنگ و هم برای دستیابی به پشتیبانی متحدین بالقوه، به یک توجیه عمومی نیاز دارند. در کنار آن دیدگاه های ژئوپلیتیکی به کشورها که شاید در ادبیات سیاسی ایران بتوان آنرا رویکرد امپریالیستی نامید غالباً با استفاده از نیروی نظامی یا با به دست آوردن کنترل سیاسی و اقتصادی مناطق دیگر به دست می آید باید پشتوانه و بهانه لازم را داشته باشد. ایالات متحده امریکا از این مطلب مستثنی نبوده چرا که پشتوانه ایدیولوژیک همواره چارچوب دهنده برای این کشور محسوب می گردد. نیکلاس جان اسپایکمن، استاد دانشگاه ییل با مطرح کردند تئوری ریملند در قالب توجه به سرزمین های حاشیه ای اروپا، خاورمیانه، دور آن ها را همچون کلیدهای امنیت ایالات متحده امریکا تلقی کرد. که در نتیجه تسلط بر هر یک از این مناطق، احاطه بر جهان جدید را به صورت یک امکان و قدرت درمی آورد.

^۱ Grand strategy

سیاست تغییر رژیم بعد از ۱۱ سپتامبر و قبل آن در قالب تئوری هژمونی تهاجمی به عنوان بخش قابل تاملی در سیاست های کلان امنیتی امریکا از ظهور و بروز خاصی برخوردار بوده است به رغم تحلیل های مضاعف، این سیاست کماکان در ابهام های گوناگونی قرار دارد (Fukuyama, ۲۰۰۴)

بعد از جنگ سرد مفهوم تغییر رژیم با روی کار آمدن جرج بوش پسر در سال ۲۰۰۰ در اشاره به رژیم صدام در عراق بیشتر مورد استفاده قرار گرفت در این مورد توانمندی صدام در بکار گیری سلاح های کشتار جمعی به عنوان عاملی (بهانه جنگ) ۱ برای تاکید در بکار گیری سیاست تغییر رژیم مورد توجه قرار گرفت که در تعارض با دیدگاه شورای امنیت سازمان ملل بود که مکانیزم "تغییر رفتار" را تجویز می کرد.

راهبرد تغییر در امریکا

هجوم ایالات متحده به افغانستان و عراق توسط رهبران امریکا توجیه شد به تغییر رژیم برای ایجاد رژیم های دموکراتیک که موجی از دموکراتیک سازی در منطقه را آغاز می کند. در سال ۲۰۱۱، ائتلافی از کشورهای ناتو به نمایندگی از شورشیان درگیر در لیبی مداخله کرد و در نتیجه باعث سرنگونی رژیم معمر قذافی گردید.

در اسناد استراتژی امنیت ملی زمان باراک اوباما ذکر شده است "ایالات متحده از گسترش دموکراسی و حقوق بشر در خارج از مرزهای خود حمایت می کند، زیرا دولت هایی که به این ارزش ها احترام می گذارند، عادلانه تر، صلح آمیزتر و مشروع ترند. چراکه موفقیت آنها حفاظت از منافع ملی امریکا را بدنبال خواهد داشت" (Desch, ۲۰۰۷)

نکته اصلی تمرکز بر گسترش دموکراسی به عنوان ابزاری برای افزایش امنیت ملی امریکا است. این اسناد به طور کلی بر گسترش دموکراسی از طریق نهادهای بین المللی، سازمان های غیر دولتی و دیپلماسی به روشی مطابق با تعهدات اعلام شده امریکا اعم از هنجارهای لیبرال دموکراسی عدم مداخله و عدم تجاوز تاکید دارند. با این حال در عمل، امریکا نشان داده است که مایل به استفاده از زور برای جایگزینی رژیم های جدید در پاناما، هائیتی، صربستان، افغانستان، عراق، لیبی و سایر مناطق بوده است.

ویکتور دیویس هانسون (زاده ۱۹۵۳) مورخ و مفسر جنگهای معاصر واشنگتن می گوید که به آمریکایی ها گفته شده که دو نوع رژیم در خاورمیانه وجود دارد، به جز اسرائیل که دموکراتیک است. نوع اول شامل "حامیان تروریسم" است، مانند افغانستان، ایران، عراق، لیبی، سوریه و یمن. نوع دوم شامل "دیکتاتورهای متوسط"، مانند مصر، کشورهای حاشیه خلیج فارس، مراکش و تونس است. اما در حالت تعادل، بعد از یازده سپتامبر، تفاوت زیادی بین این رژیم ها برای هانسون وجود ندارد. آنها جوامع بیماری هستند که تروریست پرورش می دهند. او استدلال می کند که هر دو نوع دولت "به دنبال زنده ماندن از طریق رشوه، ظلم، سانسور و سازش با اسرائیل و امریکا هستند." (Hanson, ۲۱ October ۲۰۰۲)

(۲۰۰۲)

جنگ های تغییر رژیم در گذشته توسط بمب افکن ها و تانک ها در می گرفت، اما الگویی که ایالات متحده در عصر حاضر در مصر و اوکراین و... اعمال کرده است نشان از آن دارد که جنگ بصورت غیرمستقیم و توسط "معترضین" و شورشیان درمی گیرد. با این اوصاف ستون های پنجم کمتر توسط مأمورین مخفی و بیشتر توسط بازیگران غیر دولتی شکل می گیرند که علناً به عنوان غیرنظامی رفتار می کنند. رسانه های اجتماعی و فن آوری های مشابه جایگزین مهمات با هدایت دقیق با قابلیت "نقطه زنی" خواهند شد و اتاقهای گفتگو و صفحات شبکه های اجتماعی به "شبه نظامیان" جدید تبدیل می شوند. کشور قدرتمند معمولاً برای تحمیل ایدئولوژی خود، برای افزایش و گسترش قدرت خویش یا به منظور سلطه و کنترل بر منابع و ذخایر ارزشمند کشور ضعیف تر چنین تهاجمی را توجیه می کند. (آهوپی، ۱۳۸۷ ص ۳-۵)

استراتژیهای تغییر

بیست سال عملیات نظامی و تلاش ها برای پاسخ به حملات ۱۱ سپتامبر و دیگر تهدیدهای تروریستی از جمله گروه دولت اسلامی، زمان، منابع و توجه لازم را برای حفاظت و تقویت ایالات متحده به همراه داشت. در سیستم بین المللی، چالش های فراملی جدیدی مانند همه گیری بیماری ها و امنیت سایبری پدیدار شد و رقبای دولتی مانند چین و روسیه موضع های قاطع تری در عرصه جهانی اتخاذ کردند. با تمرکز آمریکا بر نبرد علیه شبکه های تروریستی، چشم انداز جهانی بصورت گسترده تری تغییر کرد و در نتیجه تلاشها برای ادغام "قدرت هوشمند" به عنوان یک مفهوم محوری در امنیت ملی ایالات متحده به نتایج وعده داده شده و مطلوب نرسیده است. ولی با این حال استراتژی چند گانه ایالات متحده آمریکا در گزینه های روی میز در قالب های ذیل می توان بیان کرد.

قدرت سخت: به توانایی استفاده از سیاست چماق و هویج و چوب برای ترغیب دیگران به خواست شما" است. (Nye, ۲۰۰۳, January ۱۰, Propaganda Isn't the Way: Soft Power, قدرت سخت به تنهایی، علیرغم عدم جذابیت، در امور بین الملل کفه سنگینی دارد. قدرت سخت می تواند شامل تهدید و یا استفاده از نیروی نظامی، تحریم های اقتصادی و تهدیدهای دیپلماتیک گردد. (Walker, ۲۰۱۸)

قدرت نرم: نای در تعریف قدرت آنرا توانایی جایگزینی رفتار دیگران با آنچه خود میخواهیم، وی قدرت نرم را نیز شیوه های برای دستیابی به نتایج دلخواه در قالب روشهای اقناعی ارزیابی کرده است که بدون تهدیدی آشکار به اهداف دست مییابد. (Nye, ۱۹۹۰, pp. ۱۶۶-۱۶۸) براندازی، فروپاشی و استحاله در حاکمیت از اهداف کلی جنگ نرم هستند. مضافاً، گفتمان سازی، مرجع سازی، تغییر الگوی رسانه ای، نخبه سازی و تاثیر گذاری از مهمترین اهداف میانبرد و واسطه ای در جنگ نرم به شمار میروند. (حسینی، ۱۳۹۳)

قدرت هوشمند: هر تصمیم در حوزه قدرت نیاز به ارزیابی دقیق عوامل مختلف دارد. متیو پالور (Pallaver, ۲۰۱۱, ص. ۹۹-۹۷) روند تصمیم گیری و انتخاب قدرت در قالب چهار مفهوم: درک زمینه، انتخاب قدرت مناسب، اثربخشی راه حل قدرت برای نتایج و اجرای موفقیت آمیز دستور کار بیان نموده است. کلمنس ویرجین (Wergin, ۲۰۱۴) تحلیل گر

نیویورک تایمز استدلال می کند که در مورد امریکا، قدرت نرم نمی تواند جایگزین قدرت سخت شود. به گفته وی، قدرت نرم صرفاً ابزاری مکمل در سیاست خارجی است که تنها در صورت حمایت از قدرت واقعی می تواند نتیجه دهد. قدرت سخت و قدرت نرم اغلب با یکدیگر تعامل و تقویت کننده هم هستند هر دو نشان دهنده توانایی دستیابی به یک هدف مطلوب با تأثیرگذاری بر رفتار دیگران است بنابراین، به طور جدایی ناپذیری در هم آمیخته شده اند. (Nye, 1990) لذا به توانایی ترکیب قدرت سخت و نرم برای توسعه استراتژیهای یکپارچه، قدرت هوشمند گفته می شود. (Richard L. Armitage Joseph S. Nye, 2007)

جنگ هیبریدی: جنگ ترکیبی شامل فعالیتهای متنوعی بوده استفاده از ابزارهای مختلف را برای بی ثبات کردن جامعه با هدف تأثیرگذاری در تصمیم گیری را در بر می گیرد. که شامل ابزاری چون: دخالت در روند انتخابات، افشای اطلاعات نادرست و اخبار نادرست، حملات سایبری، حملات هواپیماهای بدون سرنشین، نفوذ مالی و... می گردد. (MAROVIĆ, 2019)

تاکتیک تغییر

ایالات متحده پس از پایان جنگ جهانی دوم در تلاش بوده کلمات را با اختراع، قرض گرفتن یا معکوس کردن برای برجسب زدن به سایر کشورها به کار گیرد. در نهایت کارنامه سیاسی ایالات متحده در حال تبدیل شدن به زراد خانه برای گسترش ایالات متحده به حوزه های حاکمیت همه ملل می باشد. اصطلاحاتی مانند "رؤیای آمریکایی^۱"، "استثناگرایی آمریکا^۲"، "رهبر جهان آزاد^۳"، "پاینده باد امریکا^۴" و "دموکراسی بزرگ آمریکا^۵" برای توصیف ایالات متحده و اصطلاحاتی مانند "دیکتاتوری"، "تمامیت خواه"، "دولت انزوا طلب"^۶، "دولت سرکش^۷"، "حامی مالی تروریسم"، "رژیم" "محور شرارت"^۸ برای توصیف دولت های هدف در سراسر واژگان سیاسی آمریکا پراکنده شده است. روشهای مختلفی که ممکن است برای اعمال سیاستهای تغییر مورد استفاده قرار گیرد از تهاجم نظامی گرفته تا توسل به اقدامات غیر خشونت آمیز بوده و امکان نشات گیری آن بصورت داخلی و یا تحمیلی از خارج وجود دارد که عبارتند از: **تهاجم نظامی:** استفاده از نیروی نظامی برای تحمیل اجباری و دموکراتیزه کردن کشور دیگری از طریق اشغال یا سایر روشها.

جنگ نیابتی: تامین بودجه، هماهنگی و تحریک گروههای مسلح طرفدار علیه مخالفان و متحدان. که شامل اقدام در فضای حقیقی و مجازی می شود. (Mumford, 2013, ص. ۴۱)

^۱ American Dream

^۲ American exceptionalism

^۳ leader of the free world

^۴ God bless America

^۵ our great American democracy

^۶ Isolationism

^۷ rogue state

^۸ Axis of evil

تحریم های اقتصادی: اعمال مجازات های تجاری و مالی علیه دولت ها با هدف القای دموکراتیک سازی. (Nephew, ۲۰۱۸, ص. ۳-۴)

جنگ نرم: استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای گسترش تبلیغات و اطلاعات غلط در کشورها برای تحریک جنبش های دموکراتیک و غیر دموکراتیک. (wrenn, ۲۰۲۱) حسب دکترین جین شارب هدف جنگ نرم، تغییر دولتهای نامطلوب یا فروپاشی حکومتها و کسب قدرت سیاسی است و به صلح طلبی و اعتقادات اخلاقی و مذهبی ربطی ندارد. جنگ نرم گزینه های به جای جنگ سخت برای رویارویی با حکومتهای مورد نظر است. (رنجبران, ۱۳۸۸, ص. ۲۹)

کمک خارجی: تأمین منابع برای تشویق و حمایت برای گذار از دیکتاتوری به دموکراسی. (BERMEO, ۲۰۱۱), p. ۲۰۲۳)

کودتا: در این تاکتیک دو دسته متمایز را مشخص می کنند: کودتاهای تغییر رژیم که کل "قوانین بازی" را تغییر می دهد و کودتای تغییر که فقط در رهبران خودکامه را تغییر داده بوده و نهاد های اساسی و رژیم را مختل نمی کنند. (Joseph Wright, Deniz Aksoy, David B Carter, July ۲۰۱۵)

دولت ناکارآمد: کشور شکست خورده دارای تنش های عمیق و درگیری های داخلی و، اختلاف شدید گروههای مختلف بوده قرار دارند. نیروهای دولتی با شورش های مسلحانه به رهبری یک یا چند رقبای می جنگند. گاهی اوقات، مقامات رسمی در یک کشور شکست خورده با دو یا چند شورش روبرو می شوند، انواع مختلفی از ناآرامی های داخلی، درجات مختلف نارضایتی عمومی و انبوهی از مخالفت ها که متوجه دولت و گروه های درون کشور است. (ROTBERG, ۲۰۰۳)

مداخله: اقدام پنهانی یکی از ابزارهای سیاست خارجی است که توسط سیاست گذاران برای پیشبرد منافع ملی مورد استفاده قرار می گیرد. اقدامات پنهانی طیف گسترده ای از فعالیتها را خارج از عملیات جمع آوری اطلاعات سنتی شامل می شود. عملیات پنهان ممکن است شامل خرابکاری، ترور، حمایت از کودتا یا حمایت از براندازی باشد.

مطابق ماده ۵۰۳ قانون امنیت ملی ایالات متحده امریکا "فعالیت یا فعالیتهای دولت ایالات متحده برای تأثیرگذاری بر شرایط سیاسی، اقتصادی یا نظامی در خارج از کشور، جایی که هدف آن این است که نقش دولت ایالات متحده آشکار یا به طور عمومی شناخته نشود." اقدامات پنهانی مناسب انجام می شود زیرا سیاست گذاران - نه آژانس های اطلاعاتی - معتقدند که ابزارهای مخفی بهترین راه برای دستیابی به یک هدف مطلوب یا یک هدف خاص سیاسی است.

برای مثال تحقیقات نظری و تجربی در مورد تأثیر مداخلات خارجی انتخاباتی در اواخر سال ۲۰۱۱ به طور کلی ضعیف توصیف شده است. (Shulman, ۲۰۱۲) با این حال، تعدادی از مطالعاتی انجام شده که نشان داده است که امریکا با ۸۱

مداخله و پس از آن روسیه با ۳۶ مداخله از ۱۹۴۶ تا ۲۰۰۰ در انتخابات کشورها مداخله داشته اند. (Levin, June, ۲۰۱۶)^۱

در سال ۲۰۱۲، در نظریه پردازی پیرامون مداخله در انتخابات دو نوع مداخله در نظر گرفته شده است: مداخله حزبی، جایی که قدرت خارجی در مورد حمایت از یک طرف یا حزب موضع می‌گیرد و دیگری مداخله فرآیندی، جایی که قدرت خارجی به دنبال "حمایت" از قوانین رقابت دموکراتیک، صرف نظر از اینکه چه کسی پیروز شود است. (Daniel Corstange Nikolay Marinov, ۲۰۱۲, ص. ۵۶)

دیپلماسی اجبار ۲ دیپلماسی اجباری را می‌توان به عنوان "یک استراتژی سیاسی-دیپلماتیک که هدف آن تأثیرگذاری بر اراده یا ساختار انگیزشی یک بازیگر است" توصیف کرد. این استراتژی که ترکیبی از تهدیدات، زور، و در صورت لزوم، استفاده محدود و انتخابی از قدرت سخت کنترل شده است، هدف این است بازیگران را به طور همزمان بامدیریت بحران برای جلوگیری از تشدید ناخواسته نظامی وادار به مطابقت با خواسته‌های خود، یا مذاکره در مورد مطلوب‌ترین شرایط نمود (Levy, ۲۰۰۸). در دیپلماسی اجباری اثبات شده است که وسیله‌ای مناسب برای دستیابی به اهداف سیاسی بدون توسل به جنگ است که برای برنده نیز هزینه بر است. (ILARIO, ۲۰۰۹, ص. ۲)

انقلاب رنگی: اصطلاح "انقلاب‌های رنگی" برای توصیف تظاهرات توده‌ای بدون خشونت علیه نخبگان سیاسی است، که یک دهه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آغاز و ابداع شد. فعال‌ترین، منظم‌ترین و موفق‌ترین "انقلاب‌های رنگی" در صربستان (۲۰۰۰)، گرجستان (۲۰۰۳)، اوکراین (۲۰۰۴) و قرقیزستان (۲۰۰۵) اتفاق افتاده است. (Lane, ۱۸ Nov ۲۰۱۰) جین شارپ به عنوان تأثیرگذارترین نخبه در این عرصه با ارایه ۱۹۸ تاکتیک مبارزه زمینه‌تغییرات زیادی در کشورها بوده است. (Sharp, ۱۹۹۴)

نتایج ملموس تغییر

اگر تغییر رژیم و رفتار ابزاری ارزشمند دستگاه سیاست خارجی آمریکا است، باید شواهد بیشتری وجود داشته باشد که نشان می‌دهد چنین ماموریت‌هایی می‌توانند به اهداف مثبت و مشخصی دست یابند. که بررسی ادبیات آکادمیک نشان می‌دهد که به ندرت چنین بوده است.

رایج‌ترین نتیجه یک عملیات تغییر خارجی با ایجاد شوک خارجی استقرار دموکراسی عکس در سرزمین هدف بوده است. (Daniel Berger, ۲۰۱۳) همانطور که در مقاله‌ای با عنوان مداخله‌گرایی و دموکراسی، مداخله‌گران رهبران مطیع را ترجیح می‌دهند حتی زمانی که هدف دموکراسی باشد. (Bruce Bueno de Mesquita and George W. Downs, ۲۰۰۶) برای همین است که کشورهای دیگر مانند چین و کره شمالی آن را مکانیزمی برای پیشبرد هژمونی یک کشور مداخله‌گر می‌دانند. (Hurd, ۲۰۱۱) در ۲۰۱۱، پس از حمله هوایی ایالات متحده و متحدانش به لیبی، وزیر امور خارجه کره

۱ The long history of the U.S. interfering with elections elsewhere پست مراجعه کنید واشنگتن پست

۲ Coercive diplomacy

شمالی اظهار داشت که خلع سلاح هسته ای کشور آفریقای شمالی "یک تاکتیک حمله برای خلع سلاح این کشورها" بوده است. (Sanger, ۲۰۱۸) پس از کشته شدن قذافی، اندکی پس از انجام آزمایش هسته ای کره شمالی، خبرگزاری دولتی این کشور با اشاره مستقیم به لیبی و عراق اعلام نمود: "تاریخ ثابت می کند که بازدارندگی هسته ای قدرتمند به عنوان برنده ترین شمشیر برای جلوگیری از سرخوردگی از تجاوزات خارجی ها عمل می کند." در این بیانیه آمده است: "رژیم صدام و قذافی پس از محروم شدن از برنامه جامع توسعه هسته ای و کنار گذاشتن به خواست خود، نتوانستند از سرنوشت نابودی نجات پیدا کنند." (McDonald, ۲۰۱۱)

دولت اوپاما در واکنش به حوادث سوریه "تحریم های هدفمندی" علیه این کشور وضع کرد که شامل قوانین خاصی مانند قانون منع گسترش تجارت ایران و سوریه مسدود کردن دارایی های مقامات سوری و منع صادرات کالایی به سوریه و... می گردد. و عاملی در بازدارندگی شرکت های آمریکایی از سرمایه گذاری در سوریه و باز کردن شعبات بانک های آمریکایی در این کشور گردید. اما شواهد اندکی وجود دارد که نشان می دهد این لیست طولانی تحریم ها در مهار و تغییر رفتار دولت سوریه اثر گذار باشد. (Office of Foreign Assets Control - Sanctions Programs and Information, ۲۰۲۱)

ایران کشور دیگری است که به شدت مورد تحریم ایالات متحده و دیگران قرار گرفته است. آمریکا ایران را در دوگانگی "چماق" (تحریم های بیشتر) و "هویج" (منافع اقتصادی و سیاسی) قرار داد تا ایران از تلاش خود برای پیوستن به فن آوری هسته ای دست بردارد. که ایران هیچگاه هویج را قانع کننده ندانسته و علیرغم تحریمها، برنامه هسته ای ایران برای دست یافتن به حقوق خود به سرعت ادامه دارد. برخی از داستان های موفقیت در عرصه اعمال تحریم به عنوان ابزاری در تغییر رفتار وجود دارد، اما جدول زمانی موفقیت طولانی است.

آمریکا تحریم هایی را علیه زیمبابوه اعمال کرد. این تحریم ها در ۲۰۰۱ و تحت عنوان "لایحه احیای اقتصادی و دموکراسی زیمبابوه" ^۱ وضع شدند. پس از وضع قانون «زیدرا» فرمان اجرایی آن به شماره ۱۳۲۸۸ در مارس سال ۲۰۰۳ صادر شد که هر ساله قابل تمدید است. به دنبال آمریکا، اروپا نیز در ۲۰۰۲ تحریم هایی علیه زیمبابوه اعمال کرد. (تحریم های آمریکا علیه زیمبابوه و اثرات آن، ۱۳۹۸)

در اثر تحریم های اقتصادی و فشار زیمبابوه با مشکلات بسیار جدی روبرو شد. کمبودهای جدی نفتی و غذایی منجر به مهاجرت گسترده اهالی زیمبابوه به کشورهای همسایه، به خصوص آفریقای جنوبی شد. سرانجام با کودتای ۲۰۱۷ صحنه سیاسی این کشور تغییر کرد.

نمونه دیگر تغییرات در لیبی می باشد که پس از مشارکت در بمب گذاری پرواز لاکربی تحریم شد. پس از حملات ۱۱ سپتامبر قذافی که در انزوای بین المللی هم به سر می برد تلاش بیشتری برای عادی سازی روابط با واشنگتن با تاکید بر رفع تحریمها انجام داد. او در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۳ در اعلامیه ای شگفت انگیز بیان کرد که قصد دارد برنامه تولید سلاح های کشتار

^۱ (ZIDERA)

جمعی خود را کنار بگذارد و یک ماه بعد، یعنی در ژانویه ۲۰۰۴، هواپیماهای ارتش ایالات متحده نزدیک به ۲۵ هزار کیلوگرم از اسناد و تجهیزات مرتبط با برنامه‌های هسته‌ای و موشکی لیبی را به آزمایشگاهی در ایالت تنسی منتقل کردند. همان سال هم بیش از ۱۰۰۰ سانتریفیوژ و قطعات موشکی به خارج از لیبی منتقل شدند (سوری، ۱۳۹۹).

تحریم‌ها و فشارها تأثیر خود را داشتند ولی در نهایت به قول "فون کلاوزویتس" اندیشمند آلمانی در خصوص دیپلماسی "جنگ ادامه سیاست با وسایل دیگری است (کلاوزویتس، ۱۳۸۸)" رفتار آمریکا با لیبی از مذاکرات محرمانه سال ۲۰۰۳ برای رفع تحریم‌های لیبی تا عملیات نظامی «طلوع اودیسه»^۱ در سال ۲۰۱۱ و در نهایت کشته شدن قذافی به دست مخالفان لیبیایی مصداق عینی این نظریه است. در واقع، از بسیاری جهات، این تحریم‌ها نیستند بلکه پایان تحریم‌ها هستند که بیشترین تأثیر را دارند. بنابراین وعده تخفیف تحریم‌ها بعضاً به عنوان فریب برای تحریک کشورها برای تغییر رفتار مورد استفاده قرار می‌گیرد. به عنوان مثال، در ۲۰۰۹، دولت اوباما گفت که در تلاش ناموفق خود برای جلب کردن سوریه به گفتگوهای صلح، برخی از تحریم‌های قانون پاسخگویی سوریه را که مانع از صادرات فن آوری و تجهیزات مخابراتی و قطعات هواپیمایی غیرنظامی می‌شود، کاهش می‌دهد. (Otterman, ۲۰۰۹)

به همین ترتیب اوباما در اوایل سال ۲۰۱۱ گفت که تحریم‌های سودان را پس از همه‌پرسی موفقیت‌آمیز اخیر استقلال سودان جنوبی بررسی خواهد کرد. وی گفت: "برای کسانی که به همه تعهدات خود عمل می‌کنند، راهی برای رفاه بیشتر و روابط عادی با آمریکا وجود دارد، از جمله بررسی تعیین سودان به عنوان حامی مالی تروریسم." (USA, ۲۰۱۱)

اما همانطور که بیان گردید گاهی این روش می‌تواند نتیجه معکوس دهد. در سال ۲۰۰۸، پرزیدنت بوش کره شمالی را از لیست تروریسم خارج کرد تا مذاکرات خلع سلاح جدید را آغاز کند (Spokesman, ۲۰۰۸) اقدامی که اوباما، نامزد وقت آن را پشتیبانی کرد - اما کره شمالی نتوانست به مذاکرات بازگردد و حتی یک موشک هسته‌ای دیگر را آزمایش کرد. مثال دیگر اتهام دولت بوش مبنی بر برنامه هسته‌ای ایران به عنوان پوششی برای تولید سلاح‌های هسته‌ای است. که در آن دوران مذاکرات باشکست مواجه شد همچنین است در دیدگاه هیلاری کلینتون در سال ۲۰۰۲ وی آمریکا را مجاز به استفاده از زور برای تهدید برکناری صدام حسین از قدرت می‌دانست اعلام می‌کرد: "من به دیپلماسی اجباری اعتقاد دارم. ما از تهدید به زور استفاده کرده ایم تا عراق رفتار خود را تغییر دهد. (BLITZER, ۲۰۰۸) لذا همانطور که نای در کتاب آینده قدرت» بر این مسئله تأکید عنوان داشته است "به طور کلی تهدیدات، زمانی که با شکست روبه‌رو می‌شود، هزینه بردار است به این دلیل که نه تنها مقاومت را در کشور هدف تشویق میکند بلکه در نگاه کشورهای ثالث که در حال رصد نتایج سیاستها هستند هم تأثیر منفی می‌گذارد"

^۱ Operation Odyssey Dawn

هیچ کس بهار عربی اسلامی را پیش‌بینی نکرده بود. هر چند مطالعات بسیاری بر نمونه‌های مختلف تغییر به‌طور جداگانه انجام شده‌است اما به نظر می‌رسد هیچ اثری در عصر کنونی به مقایسه مبانی جهانی تاریخی و سیاسی تغییر نپرداخته و شاخصه‌های مشترک آنها استخراج نشده‌است.

در حالی که دموکراسی و حقوق بشر مهم است، رهبرانی که همچنان علاقه مند به ترویج این ارزشها در سراسر جهان هستند باید بر سرمایه گذاری در روشهای غیر نظامی برای ایجاد تغییر سیاست تمرکز کنند. ممکن است به نفع آمریکا باشد که از آزادسازی سیاسی و ارتقا حقوق بشر در خارج از کشور حمایت کند، اما از طریق مسالمت آمیز و حمایت از جامعه مدنی در مقابل استفاده از زور. استفاده از ابزارهای سیاست خارجی غیرمجاز بصورت مخفیانه و تلاشهای آشکار برای سرنگونی رژیمهای خارجی، مشروعیت این برنامه ها را کاهش داده و بسیاری از کشورهای دیگر را از اهداف آمریکا بدبین کرده است.

به طور فزاینده ای، ابزارهایی مورد استفاده برای تغییر رفتار فقط به عنوان اولین گام به سمت مداخله مسلحانه نهایی دیده می شوند. بنابراین، سیاست گذاران علاقه مند به حفظ توانایی قوی آمریکایی در حمایت از دموکراسی و حقوق بشر در خارج از کشور باید بدنبال راه چاره و یا قبول وضعیت ایجاد شده باشند چرا که تأثیرگذاری بر سیاست داخلی دولت های خارجی به این سادگی امکان پذیر نیست.

شاید در دیدگاه امریکایی ها مثلاً افغانستان گامی منطقی، پیچیده و استراتژیک بود. اما، خیلی زود حمله کرد، خیلی طولانی ماند و بیش از حد تلاش نافرجام داشت. این باتلاقی بود که هرگز اهداف محدود و شدنی را که با قابلیت ها مرتبط بود، تعریف نکرد امریکا آنقدر مست قدرت و اعتماد بیش از حد بود که نتوانست با تجزیه و تحلیل ریسک و نتایج مناسب را انجام دهد لذا شکست خورد.

هرچند هزینه و فایده میان اقدام مستقیم امریکا و اقدامات غیر مستقیم جهت و ارجحیت را به اقدامات غیر مستقیم امریکا برای تغییر رژیم می دهد ولی در عمل این کشور توانسته است از سیاست های جنگ طلبی و قدرت نظامی دوری گزیند در کنار آن هر زمان که با عنوان تغییر رژیم با کشوری در مرحله اشکال دیپلماسی تهاجمی بوده است عملاً منجر به تلاش امریکا برای تغییر رژیم های منطقه گردیده که نمونه های در بی اعتمادی طرف های شرقی به امریکا نسبت به تغییر رژیم میباشد که حاضر به مذاکره با این کشور در هیچ سطح و هیچ منافی نمی باشند. بسیار مهم است که سیاست گذاران بهتر درک کنند که تغییر رژیم واقعاً چگونه خواهد بود و دشواری هایی که این نوع مأموریتها با آن روبرو هستند چیست.

بکارگیری روشهای غیرنظامی برای تحقق دموکراسی و اهداف بشردوستانه برای ارتقا آزادی سیاسی ضروری است. در مقابل، استفاده مداوم از زور برای سرنگونی دولت های خارجی احتمالاً واکنش های متقابلی علیه ایالات متحده به همراه خواهد داشت و عقب نشینی های بیشتری برای منافع آمریکا ایجاد می کند.

مأموریت های تغییر رژیم اغلب به پروژه های طولانی دولت سازی تبدیل می شوند یا در رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده ناکام می مانند. بنابراین ، سیاست گذاران و مقامات نظامی ، نباید بدون داشتن آمادگی ، تمایل و توانایی تعهد به یک مأموریت نهاد سازی چندین دهه پس از سرنگونی اولیه رژیم ، از مأموریت های تغییر رژیم حمایت کنند. نزدیک شدن به همه این عملیات ممکن است منجر به اعزام طولانی و پرهزینه نظامی شود.

به همین ترتیب ، مقامات آمریکایی باید این واقعیت را بپذیرند که سیاست های خارجی کشورها اولویت های متفاوتی نسبت به آمریکا دارند و بعید به نظر می رسد با تغییر رهبری موجود این اولویت ها به نفع اولویت های ایالات متحده تغییر کند. در عوض ، سیاست گذاران باید بررسی کنند که مأموریت تغییر رژیم ارزشمند است یا نه؟

- BERMEO, S. B. (۲۰۱۱). *Foreign Aid and Regime Change: A Role for Donor Intent*. usa: Elsevier Ltd. .۱
- BLITZER, W. (۲۰۰۸). *Transcript of Thursday's Democratic presidential debate 2008*. Atlanta, Georgia,: CNN Worldwide. .۲
- Booth, K. (۲۰۰۷). *Security Dilemma: Fear, Cooperation, and Trust in World Politics*. london: palgrave mecmillan. .۳
- Bruce Bueno de Mesquita and George W. Downs, “. ۶-۴. (۲۰۰۶). Intervention and Democracy. *International Organization* , ۶۲۷. .۴
- Daniel Berger, A. C. (۲۰۱۳). Do Superpower Interventions Have Short and Long Term Consequences for Democracy? *Journal of Comparative Economics* , ۲۲-۳۴. .۵
- Daniel Corstange Nikolay Marinov. (۲۰۱۲). Taking Sides in Other People's Elections: The Polarizing Effect of Foreign Intervention. *American Journal of Political Science* , ۶۷۰-۶۷۰. .۶
- Desch, M. C. (۲۰۰۷). America's Liberal Illiberalism: The Ideological Origins of Overreaction in U.S. Foreign Policy. *International Security* , ۷-۴۳. .۷
- Hashemi, M. S. (۲۰۱۸). proxy war and usas smart power strategy. *POLITICAL STUDIES OF ISLAMIC WORLD* , ۸۳-۱۰۱ .۸
- Hurd, I. (۲۰۱۱). Is Humanitarian Intervention Legal? The Rule of Law in an Incoherent World. *Ethics & International Affairs* , ۲۹۳-۳۱۳. .۹
- ILARIO, S. (۲۰۰۹). Is Coercive Diplomacy a Viable Means to Achieve Political Objectives? *E-International Relations* , ۱-۷ .۱۰
- Joseph Wright.Deniz Aksoy.David B Carter. (July ۲۰۱۵). Terrorism and the Fate of Dictators. *World Politics* , ۴۲۵. .۱۱
- Lane, D. (۱۸ Nov ۲۰۱۰). Coloured Revolution' as a Political Phenomenon. *Journal of Communist Studies and Transition Politics* , ۱۱۳-۱۳۵. .۱۲
- Levin, D. H. (June ۲۰۱۶). When the Great Power Gets a Vote: The Effects of Great Power Electoral Interventions on Election Results. *International Studies Quarterly* , ۱۸۹-۲۰۲. .۱۳

- Levy, J. S. (۲۰۰۸). Deterrence and Coercive Diplomacy: The Contributions of Alexander George. *Political Psychology*, ۵۳۷-۵۵۲. .۱۴
- MAROVIĆ, J. (۲۰۱۹, November ۲۸). *Wars of Ideas: Hybrid Warfare, Political Interference, and Disinformation*. Retrieved from carnegieeuropa: <https://carnegieeuropa.eu/۲۰۱۹/۱۱/۲۸/wars-of-ideas-hybrid-warfare-political-interference-and-disinformation-pub-۸۰۴۱۹> .۱۵
- McDonald, M. (۲۰۱۱). *North Korea Suggests Libya Should Have Kept Nuclear Program*. usa: New York Times. .۱۶
- Mumford, A. (۲۰۱۳). Proxy Warfare and the Future of Conflict. *The RUSI Journal*, ۴۰-۴۶. .۱۷
- Nephew, R. (۲۰۱۸). *The Art of Sanctions*. new york: columbia university press. .۱۸
- Nye, J. (January ۱۰, ۲۰۰۳). Propaganda Isn't the Way: Soft Power. *International Herald Tribune*, ۳. .۱۹
- Nye, J. (۱۹۹۰). *Soft Power*. DC: Foreign Policy. .۲۰
- Office of Foreign Assets Control - Sanctions Programs and Information*. (۲۰۲۱). Retrieved from U.S. DEPARTMENT OF THE TREASURY. .۲۱
- Otterman, S. (۲۰۰۹, ۰۷ ۲۹). *U.S. Opens Way to Ease Sanctions Against Syria*. Retrieved from The New York Times Company: <https://www.nytimes.com/۲۰۰۹/۰۷/۲۹/world/middleeast/۲۹syria.html> .۲۲
- Pallaver, M. (۲۰۱۱). *Power and its Forms: Hard, Soft, Smart*. London: Department of International Relations of the London School of Economics. .۲۳
- Richard L. Armitage Joseph S. Nye, J. (۲۰۰۷). *CSIS Commission on Smart Power A smarter, more secure America*. dc: CENTER FOR STRATEGIC & INTERNATIONAL STUDIES. .۲۴
- ROTBURG, R. I. (۲۰۰۳). *Failed States, Collapsed States, Weak States: Causes and Indicators*. Washington, DC: Brookings Institution Press, World Peace Foundation. .۲۵
- Rothschild, E. (۱۹۹۵). What Is Security? *Daedalus*, ۵۳-۹۸. .۲۶
- Sanger, M. S. (۲۰۱۸, May ۱۶). *How the 'Libya Model' Became a Sticking Point in North Korea Nuclear Talks*. Retrieved from The New York Times Company: <https://www.nytimes.com/۲۰۱۸/۰۵/۱۶/world/asia/north-korea-libya-model.html> .۲۷

۲۸. Schuchter, A. (۲۰۰۴). *Regime Change: National Security in the Age of Terrorism*. usa: iUniverse, Inc.
۲۹. Sharp, G. (۱۹۹۴). *From Dictatorship to Democracy*. Boston: Albert Einstein Institution .
۳۰. Shulman, S. (۲۰۱۲). The legitimacy of foreign intervention in elections: the Ukrainian response. *Review of International Studies* , ۴۴۵-۴۷۱.
۳۱. Spokesman, W. H. (۲۰۰۸, ۱۰ ۱۱). *Fact Sheet: Presidential Action on State Sponsor of Terrorism (SST) and the Trading with the Enemy Act*. Retrieved from washingtonpost: <http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/article/۲۰۰۸/۱۰/۱۱/AR۲۰۰۸۱۰۱۱۰۰۲۶۱.html>
۳۲. USA, G. (۲۰۱۱, Feb ۷). *Statement by the president on the intent to recognize southern Sudan*. Retrieved from <https://reliefweb.int/report/sudan/statement-president-intent-recognize-southern-sudan>
۳۳. Walker, C. (۲۰۱۸). What Is 'Sharp Power'? *Journal of Democracy* , ۹-۲۳.
۳۴. Washington Post . (۲۰ Feb. ۱۹۸۷).
۳۵. Wergin, C. (۲۰۱۴, July ۸). *Is Obama's Foreign Policy too European?* Retrieved from The New York Times: <https://www.nytimes.com/۲۰۱۴/۰۷/۰۹/opinion/clemens-wergin-is-obamas-foreign-policy-too-european.html>
۳۶. wrenn, C. b. (۲۰۲۱, ۳ ۲۴). *Internet Encyclopedia of Philosophy*. Retrieved from <https://www.iep.utm.edu/>: <https://iep.utm.edu/hum-mili/>
۳۷. تحریم های آمریکا علیه زیمبابوه و اثرات آن (۱۳۹۸). معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران/۳۱۰۱۴/ <https://economic.mfa.ir/portal/newsview/>
۳۸. حسینی رح (۱۳۹۳). واکاوی نقش و کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در حوادث انتخابات: فصلنامه آفاق امنیت، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، پاییز ۶۳،
۳۹. رنجبران د. (۱۳۸۸). جنگ نرم. تهران: ساحل اندیشه.
۴۰. سوری رح (۱۳۹۹). سناریو الگوی خلع سلاح هسته‌ای لیبی در ایران و ارائه راهکارهای مقابله. تهران: دیپادخت.
۴۱. کلاوزویتس، ک. ف. (۱۳۸۸). (در باب جنگ) م. ر. مترجم (Trans.)، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش (معاونت فرهنگی).

۴۲. مدخل إلى الحرب الناعمة. (۲۰۱۴). بيروت: مركز الحرب الناعمة للدراسات.
۴۳. نویدنیا، م. (۱۳۸۸). تحلیل رابطه شرایط اجتماعی و گفتمان امنیت. فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان. ۸۵-۹۷.
۴۴. کریمی، حسین و مجید روحی دهینه ۱۳۹۳، پیشینه سازی قدرت روسیه در قبال بحران اوکراین»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۳، صص ۵۷۷-۵۵۱.
۴۵. بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر براساس رویکرد واقعگرایی تهاجمی فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره چهارم - پاییز ۱۳۸۹ / صص ۲۶ - ۱